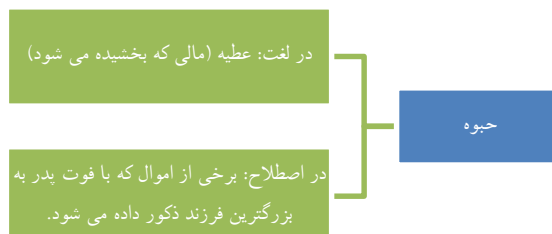


جلسه نهم

مسأله چهارم: حبوه

۱. معنای حبوه



۲. اگر میت یک پسر داشته باشد، حبوه را به او می دهند و اگر چند پسر باشند، به پسر بزرگتر داده می شود.

۳. حبوه عبارت است از: لباس، انگشتر، شمشیر، قرآن متوفی. (بعدا بیشتر توضیح داده می شود).

۴. اعطاء حبوه به بزرگترین پسر میت از اختصاصات امامیه است و در فقه اهل سنت وجود ندارد.

۵. استحقاق یا استحباب حبوه:

أ. به نحو استحقاق است و دیگران در آن بهره ای ندارند.

ب. به نحو استحباب است، یعنی اگر ورثه بخواهند مستحب است که این اشیاء را به پسر بزرگتر بدهند، اما برایشان واجب نیست.

۶. قول مشهور آن است که حبوه به طور مجانی به پسر بزرگتر داده می شود و نه در مقابل عوض و قیمت.

قولی گفته است که دادن حبوه به فرزند ارشد، مخالف اصل و نص کتاب است، پس بر موضع اتفاق یعنی جایی که از او قیمت حبوه را بگیرند اکتفاء می شود.

۷. لباسی که میت می پوشیده و آنچه برای پوشیدن آماده کرده بوده است، جز حبوه است، اما در مورد پارچه ای که بریده و هنوز دوخت آن تمام نشده اختلاف است.

۸. کفش و پوشش پا لباس محسوب نمی شود.

۹. در برخی روایات سلاح، زره، کتاب و زین و مرکب سواری نیز به عنوان حبوه آمده که اصحاب از آن اعراض کرده اند.

۱۰. عرقچین داخل در ثیاب نیست، به خاطر همین اگر کسی در کفاره که باید کسوه بدهد، عرقچین بدهد مکفی نیست.

۱۱. حبه‌هایی مثل لباس که به صورت جمع در روایات آمده شامل همه لباس‌های میت می‌شود، اما مثل قرآن و شمشیر که مفرد آمده است، اگر میت چند تا قرآن داشته از آن که بیشتر استفاده می‌کرده حبه شامل می‌شود. اگر معلوم نیست کدام را بیشتر استفاده می‌کرده بگوییم اختیار با فرزند ارشد است یا قرعه.

۱۲. در برخورداری از حبه شرط نیست که حتما پسر بزرگ در زمان فوت پدر بالغ باشد.

نکته: برخی ممکن است بگویند تعلق حبه به پسر بزرگتر به خاطر تکلیف قضای نمازهای پدر است، پس وقتی بالغ نباشد به او حبه نمی‌رسد، جواب: ملازمه ای بین حبه و وجوب قضای نمازهای پدر نیست.

۱۳. اقوی آن است که فرزند باید در هنگام فوت پدر زنده باشد تا حبه به او برسد، نه اینکه جنین و حمل باشد.

۱۴. اقوی آن است که در استحقاق حبه این امر شرط نیست که نصیب ورثه دیگر از حبه کمتر نشود.

۱۵. و شرط نیست که حبه از ثلث مال بیشتر نباشد، به خاطر عموم.

۱۶. آیا در استحقاق حبه شرط است که میت هیچ دینی یا دین فراگیر نداشته باشد یا شرط نیست؟ دو احتمال است:

الف: در صورت فراگیری دین، کلا ارث منتفی است و در صورت فراگیر نبودن نیز بر همه اموال و از جمله حبه توزیع می‌شود.

ب: روایات دلالت کننده بر حبه مطلق است و مقید به مدیون نبودن میت نیست، پس در هر صورت حبه برای پسر ارشد است.

۱۷. آنچه با اصول و قواعد شرعی سازگار است، آن است که بگوییم اگر پسر ارشد امور یادشده را به اندازه ای که به او مربوط است نپردازد، حبه در مقابل هر کدام آنها باطل خواهد شد.

۱۸. اگر میت قسمتی از حبه را وصیت کرده باشد، (مثلا شمشیرم را به فلانی بدهید) چون حبه برای پسر ارشد است، این وصیت به مقدار ثلث نافذ است و در بیشتر از آن اذن پسر ارشد شرط است.

۱۹. احکامی که برای فرزند ارشد بیان شده است وقتی است که او سفیه و دارای رأی باطل نباشد.

۲۰. برخی شرط دیگری نیز در استحقاق حبوه ذکر کرده اند که از میت غیر از حبوه اموالی دیگری هم باقی مانده باشد که به ورثه دیگر ظلم نشود. هر چند این قید در روایات نیست مگر آنکه ادعا شود، ظاهر واژه «حباء» چنین قیدی است.

۲۱. در صورتی که فرزند بزرگ دختر باشد، حبوه به بزرگترین فرزند پسر داده می شود.